

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

المملكة العربية السعودية

وزارة التعليم العالي

جامعة أم القرى

مكتبة الملك عبدالله بن عبدالعزيز الجامعية

قسم المخطوطات

بداية المصطلح



ترجمه و تفاسیر

مقتضای سنجه جمیع حقایق احوال و صدور ایلدی **نظم** هو الحبيب الذي برحمتي
 شفاعته لكل هو من الاحوال مقوم . فلك البنيان خلق وخلق ولم يدانق
 في علم ولا كوم . برحمتي اتي در كه سان حمله ناطق اولشدي دخی آدم شیء مذکور
 در کواکن . و بر سر فضل ایلدی که جوامع الکلم بر له کولت بلشدي دخی قلم کتاب
 دلوح سطور در کواکن صلی الله علیه و علی اله الطیبین و اخبابه الطاهرین
 و من تبعه الی یوم الدین . و سلم تسلیما کثیرا **ابواب** بوجاب
 شریف که از باب طریقینک و احباب حقیقتک قدس الله تعالی اسرارهم و زنا
 فی الدارین انوارهم . مقامات علیه سی . و کرامات علیه سی بیاتند که
 مقدمان قدس سابقا لابرار و مجامع مآثر الاخیار . مولانا عبد الرحمن بن
 احمد الحامی . تغذی الله باطفه السامی . کند و سانی اوزن فارسی عبارتله
 بیاضه کتوب بویله بیور شد که . شیخ امام عالم عارف ابو عبد الرحمن
 محمد بن حسین السلی الیسابوری . قدس الله تعالی روحه مشایخ طریقینک که
 کبراء دین . و علماء اهل یقین در . و علوم ظاهری و باطنی جامع لری در
 قدس اسرارهم . احوال و صایری بیانند بر کتاب جمع ایلیوب آدی طبقة
 الصوفیه قوشدر . اوله کتابش طبقة او زرنه بغلشدر . و طبقة
 بر جماعتن عبارت ایلشدر که بر زمانه یا از منة مقاربه انوار و لا
 و اثار هدایت اندرون ظهور کلمش اوله و سرید لکه و سفید لکه کسفر
 و رحلتی و عزه و راجعتی اندر اولش اوله . و هر طبقه سه شاخیدن
 و بطریقینک ائمه و علماسندن یکره کسه ذکر ایلشدر . و مقام و وقت
 مقتضای سنجه اندر کلمات قدسیه . و شمایل رضیه سندن طریقت و علم
 و حاله و انوارک سیرتیه دلالتایدن اثار فی بیانه کنور شد . و حضرت
 شیخ الاسلام کهف الانام ناصر الله قاع البدره . ابواسماعیل عبدالله
 بن محمد الاضار عالم و عی قدس الله تعالی روحه . مجلس صحبتند . و کجا
 تذکر و موعظند . اوله کلمات و احوالی ملا بیور شد در . و اوله کتابیه
 درج اولیاز بعضی شاخه سوز لرندن و کند و نک بعضی از واق و موجدند



و

مقتضای سنجه جمیع حقایق احوال و صدور ایلدی **نظم** هو الحبيب الذي برحمتي
 شفاعته لكل هو من الاحوال مقوم . فلك البنيان خلق وخلق ولم يدانق
 في علم ولا كوم . برحمتي اتي در كه سان حمله ناطق اولشدي دخی آدم شیء مذکور
 در کواکن . و بر سر فضل ایلدی که جوامع الکلم بر له کولت بلشدي دخی قلم کتاب
 دلوح سطور در کواکن صلی الله علیه و علی اله الطیبین و اخبابه الطاهرین
 و من تبعه الی یوم الدین . و سلم تسلیما کثیرا **ابواب** بوجاب
 شریف که از باب طریقینک و احباب حقیقتک قدس الله تعالی اسرارهم و زنا
 فی الدارین انوارهم . مقامات علیه سی . و کرامات علیه سی بیاتند که
 مقدمان قدس سابقا لابرار و مجامع مآثر الاخیار . مولانا عبد الرحمن بن
 احمد الحامی . تغذی الله باطفه السامی . کند و سانی اوزن فارسی عبارتله
 بیاضه کتوب بویله بیور شد که . شیخ امام عالم عارف ابو عبد الرحمن
 محمد بن حسین السلی الیسابوری . قدس الله تعالی روحه مشایخ طریقینک که
 کبراء دین . و علماء اهل یقین در . و علوم ظاهری و باطنی جامع لری در
 قدس اسرارهم . احوال و صایری بیانند بر کتاب جمع ایلیوب آدی طبقة
 الصوفیه قوشدر . اوله کتابش طبقة او زرنه بغلشدر . و طبقة
 بر جماعتن عبارت ایلشدر که بر زمانه یا از منة مقاربه انوار و لا
 و اثار هدایت اندرون ظهور کلمش اوله و سرید لکه و سفید لکه کسفر
 و رحلتی و عزه و راجعتی اندر اولش اوله . و هر طبقه سه شاخیدن
 و بطریقینک ائمه و علماسندن یکره کسه ذکر ایلشدر . و مقام و وقت
 مقتضای سنجه اندر کلمات قدسیه . و شمایل رضیه سندن طریقت و علم
 و حاله و انوارک سیرتیه دلالتایدن اثار فی بیانه کنور شد . و حضرت
 شیخ الاسلام کهف الانام ناصر الله قاع البدره . ابواسماعیل عبدالله
 بن محمد الاضار عالم و عی قدس الله تعالی روحه . مجلس صحبتند . و کجا
 تذکر و موعظند . اوله کلمات و احوالی ملا بیور شد در . و اوله کتابیه
 درج اولیاز بعضی شاخه سوز لرندن و کند و نک بعضی از واق و موجدند

و

ایراد ایدپ اول کتاب ارتوز شد. و حضرت شیخ الاسلامک ریدرزید
و بحب لریدن بریسی حضرت شیخک زیاده اندک لرینی قد کتابه کتور
الحق اول برکت ابد رلیف. و بر جمعه در شریف. بو طایفه علیه ناک
یعنی فرق صوفیک حقایق معارفی و دقایق لطایفی شتمل. اما
چون اول مجموعه عهد معهوده اولان زبان هر وی قدیم اوزرینه
اوش. و کاترک تصحیف و تحریف لرلیله بر مرتبه یه ایرش کچو بر لینه
فهم مقصود سهولتله اولیرمز. هم بعضی مقدمان مشایخک ذکر اولر
اقتصار اولمش و بعضک ذکریدن. و حضرت شیخ الاسلامک آنک عصره
اولنرک و اندن مشاخر کلرک بیاندن خالی دشمن. مذکور اولاناقا
رحمة الله تعالی ایدرینجه کمه بوفیق خاطر لریدن خطور اندی که وسع طاق
مقدارجه آنکه تحریر و تفسیر برونه کوشش کتوله. اوله کتابدن معلوم اولر
لریم روزگارده معارف اولن عباراتله بیانله کتورله. و معلوم اولیانلر
سرو کتاسده قوتله. و اخر معابر کتابلردن بولنان منابت پسندیده
و معارف سنجیده تی کا اصناف ایدپ لوح بتیانده رقم قلنه و شول
جماعت که اوله کتابده ذکر اولمشدر ولاد لرلرک و وفات لرلرک تا اکل
احوال و مقاماتی و اقوال و کراماتی ایراد اولونه. اما فو ر علا یوت
و هجوم عوایق واسطه سیله بیسرا ولادی. اکاد که کم تاریخ سنه ایدی
و ثانیات و ثانیات ده درویشلرک بحب و منتقدی. و معتقد لرک سرید
و معتقدی و جمیع شعر لریدن سپر. و فقره دلیر. امیر نظام الدین علی
شیر. اعذاته تعالی بمز قنوله. و فقه سلوک طریق و صوله که طوع اختیار
اعلا ی رتب و جاه و اعتباردن اعراض کتور شد. و قدم تسلیم و خیالیه
جاد فقره سلوک اقباه بیور شد. بوفیق لریدن اول خاطر ده خطور
ایدن صورتک شیخی استعدا ایلدی صورت قدیم داعیه بی خبرید بولدی
و در غده سابق علاست تقوی و تأکید کتور دی. لاجرم صدق و حق و
خلوص طویت برله اولدینک احسانه. اول اینک استقصاسته

شروع اولندی مطالعه ایدنرک مکارم اخلاق. و بر اسم شفا قدت ماولدر
چون اولیاء اللطک بین انقاس طبیه سندن. و فیض افواج مقدمه سندن
خوش وقت اولر. بو کتاب طایر قد سندن ایرش. و محاضرات مشاخر لرک
بجام جاننده یقین نجات انس حییه شایخی شمل اولدو غی جهسته
نفعات الانس من حضرت اقدس دیو آد و بر شد. انک جمع و تالیفنه
متصدی و باعث اولن فقیر کوشه خاطر دن چقدر سیار. و دعای خیر لر دن
فداوش ایثار. و التکلان فی جمیع الاحوال. علی الصمیم المنقاد. تمت
ترجمه کلامه. علی ترتیب نظامه. و قوی کم بو حقیر نی مقدار. امینی
خادم القراء و الاخیار. محمد بن عثمان بن علی. الملقب باللا بی و
فقه الله عز وجل. لما یجیه و یرضاه من القول و الاعتقاد و العمل و
سرع افواج اسلافه و قلوب اخلافه. باضافه ضمیم الطافه و اعطاه
بفضله النسی العلی. و بکرمه الی. اول کتاب فضایل مابل شرف
مطالعه مکارم آیایی برله شرح اولدی. و اشارت بشارت غار لرند
و عبارت استعارت فز اولرندن ذوق و سرور. و شوق و عبور اولدی
اول کتاب فاحش بر بحر زحیر بولدی که ظاهری سفاین حقایق و معارف
ناشایه برله شحون. و باطنی جواهر زواهر اسرار الکی برله محزون
بر مدینه در که بیک بیت معوی محتوی. بر سفینه در که بو بحر معوی
نظوری. **نظم** صواع از کار لواع فکره. جوامع اشارت قواع عزه
مدارس تنزیل فوارس متعه. مفادین تادیل محارم غبظة. سراسر طریق
ایقان طالب لرلرک کرامات سینه سی. و سر تاسر رجوع عرفان شار بلرلرک
مقامات علیه سی. پس خاطر فائز تقاضا ایلدی که اول کتاب جلیل القدرک
علی وسع الطاقه و فرصه الافاقه فواید فی تعیم. و بو ایرینی ترمیم بحی
ارواح مرقع اولیانرک استمداد و عنایت پر موهبت حق تعالی دن طلب
رشداد و مداد ایدپ. الفاظ پر اشارتینی هر کی عباراتله تعبیر در روز
شکلاتینی رو و لغاتله تفسیر ایلدی. لکن چون نفس سکی بصلاعت مزجاتنه

که

معارف و در بای انصافند مغایرت ابیدی بقاین بلدیکه بو مطلوب فلکی
 العاصج کندونک خطه قدر تندر خابج در • زیرا بر بادیه در که
 فارسان ساک طریقت سر اهلند راجل و سازند عاقل در • و بر نشاء
 راهد که عقول مغول ابرار سر اقد معاندند جباراندر • و نفوس ریش
 لخبار واحد مقاصدند سر کرد اندر در • اگر عقلاء زمان حکماء دور
 جمع اولر انک کانی خلدند و مطویاتی شرحند سببه قائل • بجه قلیار
 اول کلمات ذوقیه سرحله معارف و عدان • و لطایف ایقان در آیاهی
 دلبری در مصطلحات علمی و تفریفات مکلدر • لایعلها الرجل الایقین
 اصحابها • و بتعلیم مزایایها • تکم زین العباد • و شیخ الاوتاد • ابو الفضل
 محمد بن الحسن الترخیسی • قدس الله روحه کتاب کف المحجوب ده شویله •
 بو در که چون حق بجانبه بر بند سه عنایت ایدپ بر امر عاظها را بلیه
 اول بند نک حالی قوت بو لور • و زبان معانی فصیح اولور • عبارت و بلاغت
 اولور • و فضل و همت داری قتلور • تا همان معانی کند و کعبه و ندر نتیجی
 اولور و عقول انک کالات فهمند عاجز قور • بو سید ندر که اکابر نشاء
 طریقت کلماتند که کبراء دین و علماء اهل یقین در • قدس الله تعالی
 ارواحهم • متشابهات و مشکلات جمع اولور • ترجمه عوارف کور شد
 اهدایت نبویه صلی الله علیه و سلم • و کلمات شایخدن رضوان الله
 علیهم اجمعین • هر کله نک ظهر عدو بطینی واردر • و هر چنگ بر بطینی در حق
 در حق واردر • هر کله فهم ظاهر بقضا سببه عمل انیا بطن اولور • فهمند
 نصیب دار اولور • و بطن اولور که فهم سبب حجه عمل انیا بطن ثانی که فهمند
 بهر حاصل اند • بو قیاس اوزن هر فهم بر عملک دیلی • و هر عمل بر فهمک
 سیلی در • تا الی ماشاء الله تعالی • خصوصاً اهل انکه مشازی
 مختلف اولور • اگر چه کتب الحقیقه بو عتلف اولور کمی ضروریات
 عامدن و مقامات خاصدن سولیر • مثلاً زهد فی الدنیا عامی
 بستیه بست ضروری • اما خاصیه کور اول نهد زهد انکه لازمک

در

زیرا

زیرا بو مقامک صاحبی اصلا دنیا چون قدر و مرتبه کور مرتز تا کم زهد
 فی الدنیا مقام ایدنه و کیمک مشربند شطحیات غالب اولور • انا
 الفاعل فی هذا العالم • و لیس فی حیاتی سوی الله کبی • زیرا شطح شوش
 کلامه دیر لکه انک سببه دعوت و دعوی اولور • و کیمک بوج الواحد دن
 بیان اللہ خلقک انا الحق وید و کیمک کبی • و کیمک رزق الملک دن سیلر •
 انا الیک بیقاء الحق • و انا الوجود بوجوده کبی • و کیمک اسن و دلائل
 صلی در اندر ده صفت برخ غالب اولور • ندمای حضرت بردی در •
 فقرای خدمت بردی • نانا اهل بری بردی در • نانا اهل بری بردی در • و زلا
 مقام ده اعلا یسه ندما کلام ده اعلا در • و لخاصه بحسب الظاهر کلمات
 شایخ ارا سنده اختلاف عظیمه کور نور • معقول تطبیق و توفیقند و
 تحقیق تلقیقند متجاوز اولور • وقت اولور کم بری بیرون تکفیر ایدر کن کور
 بری برنده تعظیم و توقیر ایدر • کاه دو مشرک بری برینه مواهقت کسور کن
 اولور بو کابو کا مخالف سیلر • زیرا کیمی کلمات صحیفاقت در شکور در
 و کیمی نکات سکر و حیرت در معذور در • اول رعایت خواهر شریعت
 ایدر • و بو کفتار اسرار حقیقت ایدر • اندر ده کم قوت حال بو قدر اول
 مقاماتد مخالفات کورپ متزلزل اولور • و انکه که قلوبند زینغ
 و سیل واردر • یا انکار قلوب یا الخاد و باخته دو مشرک • هر کیمی
 بر حسب فهم کانه دارد • بعضی به کتیر و بهدی به کتیر • پس بو معنی
 ملاحظه انکه نفس مسکین اول مطلوب یک تحصیلنه اقدام انکه اقدام عزیمتی
 رامن فراغه جلدی • و تسلیم باشی آستانه رضاده قویب بو انش الذن
 کلور کن بلدی • و کند و نک عجز و قصور نه اعتراف قلدی • و بو کار که خطر
 و ضررندن اندیشه ایلدی • و بو حالک اوزر نه روزگار زنی شمار و رور
 و فی حدیث و نهار عبور اندی • اما انده لم **صرح** اولم از مشر زمانه اشیا
 العبد یدبر و الله یقدر کیف یشاء • اتفاق بر کون اخوان صفادن • و
 خلان و وفادن • بر جماعت شکر الله سلیهم • و سیر بالجیزه و اعیهم • بو حقیر

ابیح الظهور

نقله بسخ اشاعت علی جمیع
 بلاد کافه فی نزهت ساقینک
 فصل ذکر اولدر

محبت الله في الدنيا سقيم • تطاول سقمه فدواه داه • كذا من كان
 للباري محبا • ربيم بذكره حتى يراه **ترجمه** اوزورده دوسته سوز
 ينه اول درد او نور انوك دروايي • قاورذكري ذلوجاينتي جوان
 اكادك كم نصيب اوله لفا سي **جاريه كجمله رهما الله تعالى عليها**
 بين ذالنون مصري حكايه ايدك بكار بنعتك عايم و صغرني اندك
 حالذبا خبر صورم • ايندك بردي رضايه در • اول دريم واردم
 برصيف جسم كوردم كه كچه اخواسن لخي اكا انرا مشدي • اكا سلام
 و پررم • جوايم و پردي • ايندم اي جايه به غناري سكته بي اورد
 ايندي باسك قلدر ايك جهانه خدائي عا دن عيني كور بي سايت
 ايندم ه تنها القدي و حشت چكيت بي سايت • ايندي بدن اناغ اوك
 انوك لطايف حاكيتي و شرايف محبتي بي شويله پرايلىند • و شوق
 ديداري بكا اويله ساطع اولسند كه كوكله بر موعني انوك عزي
 ايچي بولنم • ايندم سني حكيم كور ورم بي بوطار هندن خورش
 و بكا طفي يوني كوستر • ايندي اي جوانم تغواي ازيق و زهد
 طري ووع با كرا يلوپ • سلوك ايت طايف ل طريقتك
 تا برقا يوب اهر شمسق كه انت م حجاب كور صايت نه نواب • خازن
 لرم بيورم كه سنك ه باشكك مخالفت ايتسه **امرأة البصر برهما**
 تا يخ امام يافوده سنالچك برندن روايت ايشدر كه برخا نون حس
 نواحي سنك اوقوز ييل برين امامت ايلدي استي ده و مو و قد
 انده كمد ي • و بواو نوز ييل اچند نه طلم ايدك نه مو اچلدي
امرأة البصر اعزى رهما ينه امام يافه كتاب روهن ايتا حياين ده
 كتور شدك • بو حايق دن بري ايندي حريت اچي سده برخا نون
 كوردم واله ميران ايك • ابايي اوز ننه قيش و ياز هور مشدي
 نه كچه او نور دري نه كدز • و كوشون و عيوز دن بريانه ايد
 پريوعدي • و يلان لرونغا نل انوك اطلاقك كور ري

رساي

امرأة حوزن ميه رهما الله ينه امام يافه تا بچكك علما نوك برندن
 نقل ايلسند كه حوزن زنده برخا نون كوردم كه يكيم بلدن زياده شرح
 عدي • و هج تنه اچري **جاريه حبيبه رهما الله تعالى عليه**
 شيخ محي الدين عبدالقادر الجيلاي قدس سره بونور سندن كه اولدغم
 بغداد دن قدم خريد او زنه حجه عنيت اندم • جوان ايدم تنها
 كيدر دم • شيخ عدي بن مسافر بنم يا نم كدي اولدغي جوان ايدك
 صوردم كه قده كيدر سن • ايندي سكته بيله كدك • ايتا كجهنك ^{مشيه}
 جاريه ظاهر اولدي • برفق با غلغش و بنم اكد و دردي • و ياز نيه
 يزومه دكرد ي • سپر ايندي قانذ نساي اي جوان • ايندم مجددم
 ايندي بوكون بني زخته لويديك • ايندم بخون • ايندي بوساعت بلاد
 حبشك ايدم • بكا شويله شاهره واقع اولدي كه حوقالي سنك كوكله
 بلخي ايلدي • و سكا شون سنده عطا ييوردم سنك عمن كه بلد كل من
 انوك كي عطا ييوردي • دلرم كه سني كورم • و اكلدم • ايندي بن بكون
 سنك حجتا كوردم • و بو كچه سنكك اضار ايدم رم • و روان اولدي
 دره بگر برفنده اولد كيدر دي • و بر طرفنده بز كيدر ك
 حوت كچه اولدي هوادن بر ^{طبي} اندي • اوز نرن ايتي يوفقم سر ك بيله
 و سبره بيله • اولد جاريه ايندي لول الله اندي اكر سني و اكرم صيني • هر كچه
 بكا ايكي يوفقه ايندي • بو كچه هر برونه ايكي يوفقه اندي •
 انون صكره اوج ابرو صواندي اچرك • لذت و علاوت بر هو ايدك
 پر بوزنده اولو صوبه بكر مزدي • سپر اوليجه ينه بز دن ابردي
 و كدي • و بروني آي كور مردم **امرأة الاصفهانيه رهما الله**
 شيخ عبدالقادر كصحاندين بري ديشدر كه • بوكون شيخه مبار او زنده
 استفراق واقع اولدي • و عام سنك بر عقدي چوز لري
 و كدوسي بازي دي • چون انده حاضر اولد شيخه موافقت ايدك
 دستار ليني و طايفالرنه مبار باغنه اندك • چون كير و حاله كاري

وسوزي که از ايلدي • و عمامه سفيد است است اندک • و بکا ايلدي
 دستار لري و طاقينه لري صاحب لرزه نيه و مير • اويله ايلدي
 بر عمامه باقي قلدي که صاحب ظاهر کلدی • شيخ ايلدي که بکا
 و پرو پردم • اسوزم اندکي في الحال اول عمامه غايب اولدي
 بن صوان قديم • چون شيخ منار دن اندکي بکا ايلدي • چون
 اهل مجلس عمامه لرزه اندک • بنم بر فتر انداشتم وارد را صفها نده
 اول داعي عمامه سيني اندکي • چون بن آن اسوزمه قوم • الهی
 اصفهان دن او زادي عمامه سيني لادي **امرء فان سيبه رحمة الله تعالی**
 شيخ نجيب الدين علي بن غشيشه که بروقت ده کلبا بکان شهرت
 بر حاتون شيراز کلدی • و قها بنم خانه کلوردي • خابور
 خاتوندي • و بنم اطراف و اردی • و اول حاتون اول حاتون بلوردي
 و عمامه بروقت ظروف لروردي اگر بروقت ده موقعا جوابان دن
 بغدادی و اریه کبی سید و بر سه اول ظروف لروردي • و اول
 طرف لرورش ایلدي • و اعز لري اور عشتم • تا که یا که حوله حاجت
 وقت ده ک • اول حاتون صاندي که اندک لچند نسته
 وارد ر • بکا چون سکا اطراف پوز کوسردي چون بوقت
 لراچند کندن قوت ایلدن ساین • ایلدن اندک بوشند • ایلدي
 چون بوشند چخت اغزلرين اور تر ساین • ایلدن چاک حلو سون
 ایلدي • اول حاتون ها لوقوب اول طرف لرک اغزلرين ایلدي
 و ایلدي نو کون بوشند که اغزلرين بوشند • پس اول حاتون
 بوشند ایلدي • في الحال صومعا اول قدر بغدادی کند ر که اول طرف
 لر طولدي • و اول حاتون حق تعالی کند و لی لرندن ایلدي
سليمه رحمة الله تعالی خويشه محمد فاسم فوج عبد الله سرفند
 حضرت تارک قدس ستره او غيا و غلناک او غلي در • ایلدي ایلدي
 باشند بر جاريه حاتون الدم • اناسي يله • آدي سليمه ایلدي

و عالم صاوند کشف اسوزم ایلدي • و بکي پيل بقداري بجمه اولدي
 بر نفس اماره غفلت خاري اولدوغين کوردم • اکثر اوقات بکا اوز
 ایلدي • خلق جنونه عمل ایلدي • و بکا مال اربنا طله مرتبط اندک
 و صالبي بندن ستر ایلدي • و طهر ده هر کله مصاحبت اسم
 بر بیکاسو ایلدي • و کلمات کچمشد حکا پنا ایلدي • و دایما
 مجاهده اوز بر ایلدي • بر نسته في بلك مراد ایلدنم ایلدي و دروغ
 وقت اندک صوردم • بر بيفضل جواب ویردي • مع هذا اول
 حاله پن اویردي • و او باحق علی ساید دیر که هالی ایلدي
 بنم دیوانه لغی بلور ساین • بنی بجه بر یکسه در ساین بر کون
 از اوقات استدم • نضیح ایلدي بنو ایلدي • ایلدنم سکا کاه ایلدنم
 ایلدي لطف اصان ایلدي باین مجایه دو شرمه • ایلدنم دن مجایه
 دو شرساین • ایلدي بنم سکا کاه محبت وارد دنر الله • و بر نفس اول
 بندن سقطع دکلر • همانک سن بنی از ایلدي ساین • او همان ده سن
 بکا اجنبی و نا محرم اولور ساین • بر نقل بر که سن بکار فقه بکا ایلدي
 بنم محبت اول همان ده نا محرم اولور اولور عقول محبت بدو شرمه
 بر کون حاتون کلدی کوردم که زیاده اقل ایلدنم • عالما اولدي
 سکا جواب ویردی بوقدم انکم • ایلدي بکون محاسبه عظیم جمعیت
 و ایلدي • و هر کچم که نظر انکم بر نفس کوردم که بر نفس مقله حاصل
 اوله • جمله سنی اسیر غفلت کوردم • اکا اعلمه دیدي • او در
 باشند وفات • رحمة الله تعالی • بجزته و المنة کتاب فحک
 الاسق • من حضرتنا قدس که اهل الله کرام • و شايع عظامک
 قدس الله تعالی اسرارهم • مناب عیلة • و سلسله سینه لري
 پنا نده در • که قدوة الفقراء و اسوة الفضلا • مؤنانای
 شيخ عبد الرحمن الحجابي • جمع انشدی • بوفقه خا کسار • و حضر
 بی مقدار • محمود بن عثمان بن علی الشیرازی بالذکر • زوق وار

رند

و قطع کردار • اول صفت کوشش برك • و طریقت و معرفت •
 دگر لوبك • ذره وار • انوار حق لرزند • استعداده قدرت
 و بخار عنایت لرزند • استمداد قوت ایدپ • عون باری یاری
 ایلوب • اول کتاب سعادت ایابك ترکی لسان ترجمه •
 سنك امامتی خایره بیسن • و اختتامی سیریه مقدمه اندک
 اسین واری ماولدک اول کوم رو لک قسم حدک و مفاصله
 بادیه مطلب راهنده قطع منازک • و علم اهل استلدر • و ایک
 خطوط یله کهرین نفسه برین میانه با صوب کیم مطلوبین و حلیه
 مفصوده ایز سنبلدر • و در لری و در افلاک الهی • و یله
 مظهر اساسات نامتاه اولمشاندر • و ایجاد مالدن حکم اندرک
 و جور وجود لری در • و نظام بقی آمدن غرض انرا لیسعالم
 کشف و بشود لری در • انراک اخلاق و افای • و مقامات و افای
 میانده محب برك انتر خبه کمله • و هر دینه تشبه انکله •
 ساک اصحاب کف کبی حق سبحانه و تعاباری مداد اندن معلوم
 و کلام حسابندت محسوب ایلده و بلطفه و فضله • یونسه
 بو لرك اسرار کرامتند • و اطوار و مقاماتند سوز سبلاک
 و رموز گفتار نی و کنوز کویزه قل ایلک • قلم کبی هر شکره مظهر
 زبان و قاصد • و روایات مثال هر بنده دهان و سیاه ظاهرک
 و ظیفه سی دکلس
 بوزل اولمشلدر در کمر اسامان اندل • تحت و ملکانند اهلینی بنده فرمان اندل
 خوبددر کم بوزل اسیدار و در بر اوج • اوله سینه ناوز لری عالمه پنهان اندل
 هر دین عز و قدر با شوهر غیب اهل • حکمت احسانینی لایوب کوه را نشان اندل
 خوابه و در مشلدر در کشف خفا بیغه • ماسوارن کوز بوزل رفیع دلو جهان اندل
 اویند بر الله یکی عالمه مایه کوی • صبر و عین سمندین عزیز میدان اندل
 کیم اسرار حق باطن لرزه انفضال • ظاهر و صیر سو میای جمله و پوران اندل

حقه

که چه من شیدی خای هر بار یغلدی بوزیل
 حقا نقش عتبی بوزیل • لوق خاطر دین نام
 کیمده مضمون دایچا بوزل اوردم دین
 کورسه رحمتی عجب و کوی می شود دین
 اطمینان ره حفظ حکم و وقت اسرار غیب
 و در ایمن او نیم ردده کندن بوزل

اومه بوزک این لرزنه لایمی کم بو بوزک
 کومکم اشکالی مقدمه لیک اسان اندل

<p> محلاته اشبوکتاب عام انور هودم اندن کوی بوزع سراسر لوقحه استدر حفاک عون و فضلندن اورد طقوز بوزیکوم بوزیل </p>	<p> کل صلوة و کبی مشکیب حتام اولور سیرا بوزندر قینی ساد کام که قدوس اهل اندن پر ایلر مشام که هجرت حسابنده تاریخ عام رجب ایلر بچنده اولدی سیم </p>
--	---

و صلی الله علی سیدنا محمد خیر الانام
 و علی اله اکرام و له السلام
 و علی اهل الاکلام
 و من تبوا علی
 یوم
 الغیام



بحمد الله تعالی نقل و دعا کاتبه الذی مسنعه فایز بحال الذی

حقه

نَهْأَلَهْ
أَلْمَفْطَلَهْ
أَلْمَفْطَلَهْ